

شیخ فرید الدین عطار - ابن اطر - شرف الدین ابو حفص عمر ابوالعزیز -
 شیخ یحیی الدین عربی - علاء الدین عطا ملک جوینی - سعد الدین حموی -
 جلال الدین رومی - شمس قیس - ابن خالکان - مصاحح الدین عبد الله سعدی -
 ابوالفتح عالی بن محمد البغدادی - محمد عوفی - منہاج سراج - شیخ محمود
 شبستری - خواجه شمس الدین محمد حافظ - دولتشاه - نور الدین جامی -
 (عبدالوہاب الحسینی قائم مقامی)

مکتوب نادری

بموجب امر ہمایون در حین محاصرہ بغداد از جانب ملا محمد باقر مدرس

بہامانے بغداد نوشته شد

راقم نمیقہ و اقل خایقہ محمد باقر استرآبادی مدرس دارالسلطنہ اصفہان
 بعد از نبایع ادعیہ محبت آغاز مودت انجام بر رای حقایق نماے علمای اعلام
 و فضلی عالی مقام دارالسلام انہاواعلام میدارد کہ در این ایام سعادت فرجام
 کہ این احقر عباد بتقریب زیارت روز عرفہ و اجوار شہ راف طوایف
 اما کن مشرفہ وارد این ارض فیض بنیاد گسردید از تقریر جمعی کہ از
 شدت جوع از ننگمانے قلعه فرار کردہ می آیند معرفت کامل باحوال سکنہ
 آن جا حاصل نموده معاوم شد کہ ہر روزہ جمعی کثیر از صغیر و کبیر و
 برنا و پیر در قلعه از فقدان قوت فوت و تلف و مایحق بیاران ساف میگرددند
 چون اہل قلعه قائل کلمتین طیبین شہادتین و امت رسول تقابین و در قباہ
 و کتاب موافق و دردین و شریعت مطابق بودند بمدلول کریمہ و ان طائفان
 من الموضین اقتلو فاصحوا بیہا و بغداد ان تنتھوا فھو خیر لکم باروسای
 سپاہ برخا شجوی مستد لاین احکام اللہ گفتگو نموده جمعی از ایشانرا با خود

همداستان و بخدمت خان والاخان کشورستان فایز و بدلائل عقایه و فصوص شرعیه ایشانرا بامثال فرمان و جاد لهم بالتی هی احسن ارشاد و بمنطوقه و نزعنا ما فی صدورهم من غل تصفیة زلال عناد نموده بنسنگارش این حیفه پرداخت بر ضمائر زاکیه حضرات مخفی و مستور نماناد که اگر خان فلک شان را بتاییدات ابزدے و مددگارے بخت سعید داعیه کشور گشائی و دارائی و عالیجاه وزیر صاحب رای و دستور ملک آرای احمد پاشا راهوس حکم رانی و فرمانروائی باشد عجزه و ضعف که بهین ودیعه کارخانه ابداعند از این دو حالت برے و لامحاله بنا فد الامرے مبسوط الید در مقام رعیتی و فرمانبرے درآیند و ایشانرا در این میانه تقصیرے نیست که پامال جنود محن و غارت زده سپاه فتن شوند قطع نظر از شغل فرماندهی بمصداق تعز من تشاء و تدل من تشاء و تنزع الملك ممن تشاء و تمشیت سلطان ام یزل موقوف و مربوط و خان سکندر شان، وید من عند الله و مشید بجنده الله اند و اینمعنی هم بدیهی است که بعد از آنکه بیکدیگر مسلط شوند ناموس بزرگی را صیانت و بیکدیگر را اعانت خواهند کرد و اما عجزه و رعایای ناس از رهگذر عدم مکنت در میانه پامال لشکر حواث میگردند بجهتی که این خادم علوم دینه بعضی مراتب را بحضرت خانی القا و ایشان نیز بسمع قبول اصفا فرمودند باید آنحضرات عالیات نیز از راه دینداری و غمخواری مخلوقات حضرت باری مراتبی را که باید بعالیجاه مشار الیه و باقی پائیان با عزوشان حالی نموده خود را بری الذمه سازند و زیاده از این عجزه و ملهوفین را بورطه هلاکت میندازند و لو انهم تعلموا ما یوعظون به لکان خیر لهم و بعد از آنکه عالیجاه مشار الیه اینمعنی را پذیرند و برائے کهن ویرانه که نمونه ان اوهن البیوت لبیت العنکبوت است خون این همه مسلمانرا بگردن گیرند صاحب اختیارند ،